



به بهانه سالگرد توشیح قانون اساسی مشروطه

درآمدی بر نقش روستاییان در جنبش مشروطیت

پریسا شکورزاده

در تاریخ جنبش مشروطه همواره بر نقش روشنفکران، علماء و تِجار تأکید شده و با بورژوازی خواندن انقلاب مشروطه، نقش روستاییان در آن کاملاً نادیده گرفته شده است. ناسیونالیسم و تجددخواهی به‌عنوان واکنشی استعمارزده در این دوره و حاملان فکری آنها یعنی روشنفکران دوران مشروطه همواره مورد توجه خاصی قرار گرفته‌اند، اما کمتر به این پرسش پرداخته شده است که کشاورزان دوران قاجار که بیشترین ضربه را از سیاست‌های نظام سلطنتی خوردند، چه میزان در تغییر وضعیت موجود کام برداشتند، آنچه در این مقاله مورد توجه است، وضعیت روستاییان به‌عنوان قربانیان سیاست‌های اقتصادی حکومت قاجار و واکنش آنهاست. پرسش این مقاله آن است که زارعین و دهقانان ستمدیده دوران قاجار که اکثریت مردم ایران را تشکیل می‌دادند، نسبت به ظلم و استبدادی که به‌ویژه در اواخر دوران قاجار دامن آنها را گرفت چه واکنشی نشان دادند و دلایل این واکنش فعالانه یا منفعلانه چه بوده است. آیا آنها به‌عنوان یکی از نیروهای اجتماعی فعال در جنبش مشروطه به این جنبش پیوستند یا آن را از خود نداشتند؟

وضعیت روستاییان در اواخر سلطنت قاجار

روستاییان در دوران قاجار هشتاد درصد جمعیت ایران را تشکیل می‌دادند که پنجاه درصد آنها کشاورزان زمین کار و سی درصد عشایر دامدار بودند.^۱ (فشاهی، ۱۳۵۶ش:۳۴) مهم‌ترین منبع ثروت کشاور همواره عبارت بود از زمین‌های زراعی و مالیات نقدی و غیرنقدی که از املاک ستانده می‌شد و نیازهای طبقات حاکم را تأمین می‌کرد، اما در دوره قاجار هیچ روش و دستگاه منظم و دقیقی برای تعیین و اخذ مالیات وجود نداشت و با توجه به فقدان منابع مالی دیگری برای تأمین نیازهای سلطنت، «کشاورزی در ایران به‌عنوان بخش عمده اقتصاد باید جور این‌ خاصه خرجی‌ها را بکشد».(سیف،۱۳۷۳:۵۸)

املاک در این دوره شامل چند نوع زمین می‌شد: ۱- زمین‌های شاهی شامل زمین‌های تحت اختیار کدخدا و تیول‌ها ۲- زمین‌های اربابی ۳- زمین‌های موقوفه ۴- زمین‌های دهقانی، حکومت مرکزی در نیمه اول قرن نوزدهم به گسترش تیولداری روی می‌آورد. «تیول در برخی موارد عبارت بود از اختصاص عواید یک منطقه به یک نفر، در ازای خدمتی که آن شخص برای شاه انجام داده بود و در پاره‌ای مواقع عبارت بود از واگذاری بخشی از اراضی خاصه یا دولتی به‌جای حقوق و مواجب».(فشاهی، ۱۳۵۶ش:۲۷) این شیوه از مالکیت زمین تبعات ناگواری برای روستاییان داشت. از آنجایی که تیولداران مالکیت موقتی بر زمین‌ها داشتند درصدد برمی‌آمدند تا در مدتی که زمین در اختیارشان است نهایت بهره‌برداری را از آن بکنند (سیف،۱۳۷۳:۶۸) و برای کسب بالاترین منفعت تا جایی که می‌توانستند روستاییان را می‌چاپیدند. در اواسط قرن نوزدهم حکومت مرکزی که با مشکلات بودجه و استقرارهای خارجی روبرو بود، شروع به فروش زمین‌های خالصه کرد. در اواخر سلطنت بسیاری از این زمین‌ها فروخته و بسیاری به شکل تیول واگذار شد.

مالکان این زمین‌ها در تحولات اقتصادی – که به‌واسطه غرب و تضعیف دولت رخ داده بود – سود جست و به خرید این زمین‌ها پرداختند. آنها برای به‌دست‌آوردن این زمین‌ها بالاترین قیمت را پیشنهاد می‌دادند و پس از صاحب‌شدن زمین مأموران خود را به جمع‌آوری مالیات‌های سنگین از دهقانان می‌گماردند تا پول‌شان را بازگردانند. (عیسوی،۱۳۶۲:۸۲) بدین‌ترتیب دهقانان هم مجبور به پرداخت مالیات به دولت و هم بهره مالکانه به مالکان خصوصی بودند. (سیف،۱۳۷۳:۶۷) لمتون به فشارهای دیگری غیر از مالیات‌های عادی هم اشاره می‌کند که بر گردن روستاییان گذاشته می‌شد، از جمله باج یا صادرات، سورات یا تهیه اوراق. (لمتون،۱۳۴۵:۲۸۴) فشاهی نیز چهارده تکلیف روستاییان را در ازای استفاده از زمین (فشاهی،۴۰) و میرابوالقاسمی سی‌وچهار نوع مالیات و

عوایدی را که از روستاییان گرفته می‌شد برمی‌شمارند (میرابوالقاسمی،۱۳۵۸:۶۱) که نشان‌دهنده ابعاد گسترده ظلم بر روستاییان است. در «حاجی‌بابای اصفهانی» جیمز موریه، «خاطرات حاج سیاح» و بسیاری از خاطرات و مشاهدات خارجیان حاضر در ایران به ظلم‌های متعددی برمی‌خوریم که بر روستاییان روا می‌شد.

واکنش‌های روستاییان

در برابر فقر ویرانگر و بهره‌کشی‌هایی که از روستاییان می‌شد اولین واکنش آنها گونه‌ای راهزنی اجتماعی و شورش‌های بدوی و مقاومت منفی بود. مواردی همچون سرپیچی از مالکان، پنهان‌کردن محصول، نندادن مالیات و اجاره زمین، گریختن از روستاها، بست‌نشستن در مکان‌های مقدس از این جمله هستند. (آبراهامیان، ۱۳۹۳:۵۹؛ ۶۰) با هرچه‌بیشترشدن ظلم و فشاری که بر روستاییان وارد می‌شد کشاورزان کم‌کم دست از زراعت برداشتند و از روستاها فرار کردند. به گفته فریزر «کمتر کسی به کشت می‌پردازد چون می‌داند که حاصل کارش ممکن است به دست هر کسی برسد غیر از خودش و به‌همین دلیل است که به زندگی بخور و نمیر راضی‌اند».(سیف،۱۳۷۳:۷۵) به‌طورکلی این مسئله که چرا دهقانان دست به شورش و قیام علیه نظام نزدند موجب حیرت بسیاری از ناظران گشته بود. برای مثال یولاک پزشک اتریشی دوران ناصرالدین‌شاه خرد می‌بازان بردباری و خوشبختن‌داری دهقانان و اینکه آنها به کرات علیه نظام برنمی‌خیزند دچار شگفتی بود. (شاکری،۱۳۸۴:۱۲)

انفعال روستاییان ودلایل آن

تحلیل‌گران در تبیین انفعال روستاییان و عدم مشارکت آنها در جنبش مشروطه دلایل متعددی را برشمرده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود: احمد سیف دلایل انفعال دهقانان در امور سیاسی و اجتماعی را به فقدان انگیزه مالکیت خصوصی و سلسله‌مراثیتی‌بودن ختم نسبت می‌دهد و می‌نویسد: «یکی از دلایلی که در ایران شاهد دهقانانی غیرفعال (passive) در امور سیاسی و اجتماعی بوده‌ایم این بود که دهقانان کلیت نظام سیاسی و اجتماعی حاکم را با سبکی بختگ‌وارش در برابر خویش داشتند. کدخدای ده بی‌مروت‌تر از پاکار و پاکار بی‌رحم‌تر از مباشر و حاکم و وزیر و شاهزاده و شاه و هم خون‌خوارتر از دیگران. از سوی دیگر انگیزه مالکیت خصوصی که در بسیاری از جوامع باعث شرکت دهقانان در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی می‌شد در ایران وجود نداشت».(سیف،۱۳۷۳:۱۰۷)

نیکی کدی پراکندگی روستاییان در اطراف مناطق شهری و سیستم آبیاری قنات را علت این انفعال و کاهش احتمال شرکت در حرکت‌های انقلابی، تمد و سرکشی می‌داند و از این‌رو، مناطق پرجمعیت و پرباران شمالی ایران را استثناء می‌کند. (کدی،۱۳۹۰:۸۵) خسرو شاکری ناچیزبودن مقاومت فعالانه دهقانان در برابر زورگویی و ستمگری و فقدان مبارزه طبقاتی را به چند عامل نسبت می‌دهد. اول ذهنیت ایرانی بود که حاکم را فرمانروای مطلق عادل و سایه خدا روی زمین می‌دانست و تنها راه تغییر سرنوشتش را مراجعه به حس دادگری الهی فرمانروا می‌دانست. دوم تقدیرگرایی بود. (شاکری،۱۳۸۴:۷۸) طبق نظر شاکری نگاه تقدیرگرایانه غالب در اذهان روستاییان را می‌توان از علل مهمی دانست که امکان هرگونه کنش اعتراض‌آمیز را منتفی می‌کرد.

محمدتقی میرابوالقاسمی با اشاره به ناآگاهی دهقانان ایرانی درمورد حوادث انقلاب مشروطه به نقش منفعلانه آنها در جهت مناقضان اذعان می‌کند. او روستاییان را در وضعیت «دل‌مردگی و بی‌توجهی و

ازدست‌دادن زندگی مادی و معنوی و بالاخره آزردگی و نفوذ نوعی روح بیگانگی و پوچی نسبت به زندگی» وصف می‌کند که نتیجه ظلم‌هایی است که در طول سال‌ها بر آنها گذشته. اما با وجود گرایش منفی‌مآبان‌های که در سال‌های مشروطه میان دهقانان وجود داشت، شاهد کنش‌هایی در میان این‌ قشر نیز هستیم. (میرابوالقاسمی،۱۳۵۸:۹۰)

یرواند آبراهامیان و فرهاد کاظمی در مقاله «دهقانان غیرانقلابی در ایران معاصر» شورش‌های بزرگ انقلابی را به‌طورکلی معلول وجود سه عامل می‌دانند: دهقانان متوسط ناراضی، اقتصاد مبتنی بر بازار متزلزل و دولت مرکزی ضعیف. اگر از این معیارها برای پاسخ به پرسش خود درباب چرایی انفعال دهقانان در دوران مشروطه بهره بگیریم، می‌توان گفت که در ایران این دوره تعداد کمی از دهقانان متوسط وجود دارند و دهقانان بی‌زمین زیر سلطه اقتصادی و اجتماعی زمین‌داران و مباشران بودند. عامل دوم نیز در ایران وجود نداشت و تنها عامل سوم موجود بود. مقاله مزبور عدم وجود دهقانان متوسط به‌خاطر فقدان بارندگی کافی، هزینه زیاد نگهداری از قنات‌ها، رقابت سرمایه‌گذاران شهری و غلبه اربابان بزرگ غیریومی، روستاهای درون‌گرا و منزوی به دلایل جغرافیایی، مشکلات حمل و نقل، تفاوت‌های زبانی، اختلاف‌های مذهبی و قومی و در نتیجه عدم رشد آگاهی و محل‌گرایی را از عوامل عدم شکل‌گیری خیزش‌های دهقانی می‌داند. (آبراهامیان، ۱۰۰۳:۱۳۹۳)

مقاومت

فروپاشی نظام اقتصاد سنتی و فقدان نظام صنعتی به بی‌کاری روستاییان و شکنندگی‌شدن زندگی آنها در

نیمه دوم قرن نوزدهم منجر شد. با وخیم‌ترشدن اوضاع اقتصادی بسیاری از روستاها از سکنه خالی شدند و برشمرده‌اند که به شهرها و کشورهای دیگر مهاجرت کردند. بسیاری از زارعان در جست‌وجوی کار به آسیای میانه، قفقاز، استانبول، دمشق، حلب، بغداد، هرات، هندوستان و… مهاجرت کردند. اما روستاییان مهاجرت‌ها به مقصد ایالت‌های جنوبی امپراتوری روسیه صورت گرفت (شاکری،۱۳۸۴:۱۱۲-۱۱۴).

نتیجه این مهاجرت‌ها به‌ویژه به ایالت‌های جنوبی

امپراتوری روسیه آشنایی آنان با اتحادیه‌های کارگری و اندیشه‌های اری‌دکابل بود که زمینه تأسیس نخستین اتحادیه‌های کارگری در ایران را فراهم کرد. همین امر مبنای اعتراضات و اعتصابات کارگری در طول مشروطه شد. (شاکری،۱۳۸۴:۱۳۰-۱۴۰) با توجه به آمارهایی که از مهاجرت ایرانیان در این دوره ارائه شده است، شاید بتوان مهاجرت را عمده‌ترین واکنش روستاییان به وضعیت اسف‌بار آنها دانست. در شرایطی که بن‌بست‌های ذهنی و عملی مقاومت و شورش علیه وضع موجود وجود نداشت، تنها راه‌حسل فرار از این شرایط و دستیابی به حداقل نیازهای زندگی در زمینی دیگر بود. با این وجود مهاجرت برای دهقانان حامل تجربه‌های سیاسی و افق تغییریری بود که پیش از آن قابل تصور نبود.

به‌علاوه شرکت فعالانه این مهاجران در تحرکات کارگری در کشورهای دیگر نشان‌دهنده این امر است که در صورت وجود شرایط عملی واکنش فعالانه، این افراد قادر به کنش‌ورزی و اعتراض بوده و می‌توانستند در نزاعات ایدئولوژیکی موجب تحول در جوامع دهقانی شد و دهقانان به این باور رسیدند که مشروطیت مخالف

اندیشه



نظام ارباب و رعیتی است. (میرابوالقاسمی،۱۳۵۸:۹۰) اگرچه کاتوزیان می‌گوید «هدف‌های انقلاب نه به‌گونه‌ای مشخص بیانگر منافع روستاییان بود و نه آنها به‌طور مستقل در انقلاب شرکت داشتند»، او در اینکه «هیچ‌گاه خواست عدالت اجتماعی و اقتصادی بیشتر برای روستاییان مطرح نشده» (کاتوزیان،۱۳۶۶:۹۰) مبالغه می‌کند. در دوران مشروطیت سلسله مقالاتی در روزنامه صوراسرافیل در جهت الغاء نظام ارباب و رعیتی، تحدید حقوق مالکین و فروش زمین‌ها به دهقانان نوشته شد که نشان‌دهنده توجه روشنفکران مشروطه به مسائل دهقانان است. (میرابوالقاسمی،۱۳۵۸:۹۵) نمونه دیگر میرزاآقخان کرمانی از روشنفکران مشروطیت است که از مساوات در ثروت، محدودیت مالکیت و اشتراک زمین دفاع می‌کرد (آدمیت،۱۹۸۵:۲۷) و در نهایت سوسیال‌دموکرات‌های این دوره بیشترین توجه‌شان به مسئله زمین و مالکیت بود.

سخن آخر

همان‌طور که گفته شد در نیمه دوم قرن نوزدهم تغییر سیاست اقتصادی قاجاریه درباره املاک خالصه و گسترش تیول‌داری در اثر نتایج اقتصادی وضعیت نیمه‌استعماری موجب هرچه بدترشدن زندگی روستاییان و زارعان و نابودی نظام اقتصادی کشاورزی شد. روستاییان به عنوان محروم‌ترین و ستمدیده‌ترین قشر مردم که درعین‌حال اکثریت جمعیت ایران را تشکیل می‌دادند نقش «راحل آنها عبارت بود از تسلیم یا فرار، تسلیم، فرار یا مهاجرت راه‌حلال‌هایی هستند که غالباً در شرایطی انتخاب می‌شوند که امیدی به بهبود شرایط یا توانی برای مقابله با آن وجود ندارد و تاریخ معاصر ما در دوره‌های مختلف شاهد واکنش‌هایی از این دست بوده است. بی‌نوش:

۱- در نظر احمد سیف ۸۰-۹۰ درصد کل جمعیت ایران در این دوره، در بخش کشاورزی شاغل بودند. (سیف،۱۳۷۳:۷۷)

۲- برای مطالعه درباره اثرات تماس با غرب بر زندگی دهقانان مراجعه کنید به: تاریخ اقتصادی ایران، چارلز عیسوی، ترجمه یعقوب آژند، نشر گستره، ۱۳۶۲

- سیف، احمد (۱۳۷۳) اقتصاد ایران در قرن نوزدهم، تهران: نشر چشمه
- کدی، نیکی (۱۳۹۰) ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: نشر علم، چاپ دوم
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۳) مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران، مترجم سهیلا ترابی، تهران: نشر شیرازه، چاپ سوم
- لمتون، آن (۱۳۴۵) مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- شاکری، خسرو (۱۳۸۴) پیشینه‌های اقتصادی اجتماعی جنبش مشروطیت و انکشاف سوسیال‌دموکراسی، تهران: اختران
- آدمیت، فریدوند (۱۹۸۵) ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، انتشارات پیام، چاپ دوم
- فشاهی، محمدرضا (۱۳۵۶شاهنشاهی) واپسین جنبش قرون وسطایی در دوران فوئودال، انتشارات جویباران
- میرابوالقاسمی، سیدمحمدتقی (۱۳۵۸) نهضت‌های روستائی در ایران، بدون جا
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۶۶) اقتصاد سیاسی ایران، از مشروطیت تا سقوط رضاشاه، ترجمه محمدرضا نفیسی، تهران: انتشارات پایپورس
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲) تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر گستره

شکل‌گیری

قانون اساسی مشروطه

در سال ۱۲۸۵ مباحث مربوط به حقوق اساسی به مثابه مفهوم کانونی فلسفه سیاسی در انقلاب مشروطه ایران سرعت گرفت و در قوانین اساسی سال‌های ۱۲۸۵- ۱۲۸۶ به روشنی تجلی یافت. انقلاب مشروطه نقطه اوج تغییراتی بود که ایران به دلیل نفوذ امپریالیسم و افول قدرت پادشاهی مطلقه‌دستخوش آنها شد. از دیدگاه بسیاری از نخبگان اداری و سیاسی آن دوره، خاندان قاجار (۱۱۶۰-۱۳۰۴) به‌طور مستمر در حال اقبول بود. تضعیف دولت ایران، موجب بروز تنش‌هایی میان سلطنت، تِجار بازار و بخشی از علما شد. خواسته اصلی انقلاب مشروطه در ابتدا برقراری «عدالتخانه» بود. اندیشه عدالت در خواسته‌هایی نظیر پایان‌یافتن حکومت مطلقه، ایجاد نظم و ثبات و حمایت از منافع ملی در برابر نیروهای خارجی تبلور می‌یافت. در آن دوره، عدالت با مهار یا محدودکردن قدرت سلطنتی برابر پنداشته می‌شد. بر این اساس اصطلاح «constitutionalism» به مشروطیت ترجمه شد که معنای آن محدود و مشروط ساختن سلطنت مطلقه (شطرگذاری) بود. با گذشت زمان ایرانی‌ها منظور و توجه خود را در ارتباط با عدالت و حاکمیت قانون در تعبیر قانون اساسی متجلی ساختند. به‌همین دلیل است که جنبش مشروطه‌خواهی که جنبشی ضدسلطنت بلکه حرکتی ضداستبدادی بود و در کنار محافظت از حقوق مدنی پشتیبانی از حقوق ملت را نیز مدنظر داشت، این جنبش نه‌تنها به تقویت موقعیت حقوقی خود (به معنای آزادی) توجه داشت، بلکه خواهان محدودسازی نحوه اعمال قدرت و به‌ویژه استفاده خودسرانه از قانون بود. بر همین اساس جنبش مشروطه خواستار نظام حقوقی واحد صادر شد. در پایان همان سال مجلس ملی برای نخستین‌بار گشایش یافت. این درگرونی باعث شد تا بخشی از قدرت سلطنت به مجلس منتقل شود و عرصه‌ای برای مردم فراهم شود تا بتوانند بر قبود قانون‌گذاری و

در نهایت روال سیاست کشور تأثیر بگذارند. مدتی سلطنت نیز ملزم به همکاری با دولتی شد که برگزیده مجلس بود. این در حالی بود که قانون اساسی در تفکیک رابطه دین و سیاست، صراحت اندکی داشت. به این ترتیب انقلاب مشروطه میان دین و سیاست مرزبندی نکرد، زیرا دین را به خواسته حاکمیت قانون و مهار قدرت سلطنت همسو می‌دید. متن قانون اساسی در هشت دی ۱۲۸۵ به تصویب مجلس رسید. تصویب مجلس رسید. کمیسوین تهیه پیش‌نویس متمم قانون اساسی در این مورد اتفاق نظر داشتند که تحت‌واقعی قوانین اساسی منوط به اقدامی بنیادی، یعنی تدوین و تصویب مجموعه‌ای از قوانین مدنی است. در تدوین قانون اساسی ایران، هم از منابع غربی مدرن استفاده شده بود و هم از سنت‌های حقوقی ایران که آمیزه‌ای بود از قوانین شرع و توحیدیه‌های در رسوم محلی یا عرف. بنابراین، چالش پیش‌روی قانون اساسی این بود که مطابقت بین مفاهیم حقوقی غرب با آرای اسلامی و ایرانی برآمده از شریعت و عرف، چگونه می‌بایستی صورت پذیرد. چگونگی ترکیب این دو برداشت متفاوت از حقوق در قانون اساسی، در بسیاری از مباحث سیاسی و فکری ایرانی به‌ویژه پس از دوره مشروطه‌خواهی بازتاب یافت. قانون اساسی، افزون بر مطرح‌کردن و معرفی مفهوم حقوق در سیاست ایران، چارچوب جنبش مشروطیت این ارزش‌ها را از طریق تدوین قانون مدنی فراهم کرد. تلاش برای تدوین قانون مدنی پس از چند نوبت با ناکامی روبه‌رو شد. سرانجام در اواخر دهه ۱۳۰۰ به بار نشست. ناگفته نماند که اصلاحات قضائی و قانونی در سده بیستم بدون اتکا به چارچوب قانون اساسی امکان‌پذیر نبود.

منبع: انقلاب مشروطه ایران، ویراسته هوشنگ ا. شهبایی، ونسا مارتین، ترجمه: ابراهیم فتحی، نشر پارسه، ۱۳۹۲، صص ۱۵۸-۱۵۳

کتاب شناسی مشروطه

تاریخ مشروطه در سه قاب

اگر فقط عناوین آثاری را فهرست کنیم که مستقیم یا غیرمستقیم به جنبش مشروطه‌خواهی و ریشه‌های شکل‌گیری آن در تاریخ معاصر ایران می‌پردازند، خود کتابی حجیم می‌طلبد. ازاین‌رو، نگاهی کوتاه به سه کتاب مهمی می‌اندازم که یکی در زمان وقوع انقلاب مشروطه نوشته شده، دیگری ۳۰ سال پس از انقلاب و آخری صد سال پس از آن.

تاریخ‌بیداری ایرانیان

«تاریخ بیداری ایرانیان» اولین کتاب درباره انقلاب مشروطه است. کتاب حاضر خاطره‌نگاری از رویدادهای مختلف پیش از مشروطه تا بعد از فتح تهران و آغاز مشروطه دوم است. ناظم‌الاسلام کرمانی، راوی خاطرات، یکی از انقلابیون تند و تیز و عضو کمیته انقلاب بود و با دیگر انجمن‌ها و فعالان انقلاب و روحانیون ارتباط گسترده داشت. در کتاب جزئیات، بحث و جدل‌های انقلابیون، تلگراف‌ها، اعلان‌ها و مکاتبات مبادله‌شده بین سران نهضت در تهران توضیح داده شده است. او در روایت خود، نگاهی هم به دیگر شهرهای درگیر در انقلاب دارد. به همین دلیل روند دقیق رویدادها را به‌دقت توضیح می‌دهد. او چند ماه بعد از فتح تهران و آغاز مشروطه دوم، اقدام به انتشار یادداشت‌های شخصی خود کرد و ابتدای هر هفته قسمتی از یادداشت‌ها را به صورت پاورقی در روزنامه کوکب – که خود منتشر می‌کرد – به چاپ رساند. کتاب را علی‌اکبر سعیدی‌سیرجانی تصحیح و منتشر کرد. یکی از مطالب مهم کتاب حاضر، بخش پایانی یادداشت‌های مؤلف است که سعیدی‌سیرجانی آن را گردآوری و تدوین کرده است. در این بخش نیز ثبت وقایع روزانه تا بیستم صفر ۱۳۳۵ ادامه یافته، ولی از این تاریخ تا سوم جمادی‌الاول ۱۳۲۶ در ثبت وقایع وقفه افتاده است. ناظم‌الاسلام از چهارم جمادی‌الاول ۱۳۲۶ به ثبت وقایع روزانه ادامه داد، ولی این‌بار به‌سبب اوضاع ویژه پس از به‌توپ‌بستن مجلس و تعطیلی مشروطه، لحن خود را تغییر داد و جانب احتیاط را در پیش گرفت. او در موارد بسیاری از جهل مردم نالیده و آن را مانع ترقی دانسته است. با وجود انتقاداتی که در مورد دقت علمی کتاب و بررسی رویدادنگاری‌ها به کتاب وارد شده که البته مختص شتاب رویدادها در زمان انقلاب است «تاریخ بیداری» به یکی از مهم‌ترین مراجع در زمینه تاریخ‌نگاری مشروطه برای کتاب‌های بعدی بدل شد.

تاریخ مشروطه

بعد از تأسیس دانشگاه در ایران فرم جدیدی از تاریخ‌نگاری علمی تحت‌تأثیر مورخان اروپایی وارد ایران شد. «تاریخ مشروطه» احمد کسروی ازجمله اولین آثار با این رویکرد است. هدف او از نوشتن این کتاب «بررسی رازهای ناگامی جنبش، شناساندن قهرمانان راستین و پیشگیری از واژگونه‌نمایی تاریخ، پیشگیری از جسیباندن این جنبش به بیگانگان، یادآوری کوشش کسانی که در آینده کنار گذارده شدند، پیشگیری از نگارش تاریخ میهن به دست بیگانه و سرانجام درد فراموشی ایرانیان» بود. کسروی سی سال بعد از پایان مشروطه تصمیم گرفت تاریخ مشروطه را بنویسد و بیشتر منابع در دسترس آن زمان را بررسی کرد. کسروی وقتی مجله پیمان را منتشر می‌کرد، انتشار وقایع مشروطیت آذربایجان را در هر شماره پی گرفت. کتاب در سال ۱۳۱۹ خورشیدی به چاپ رسید. بعدها انتشارات امیرکبیر آن را در دو مجلد منتشر کرد. یکی به نام «تاریخ هجده‌ساله آذربایجان» و دیگری «تاریخ مشروط مشروط ایران». ایوان سیکل نیز کتاب را به انگلیسی ترجمه کرد. کسروی به‌خوبی با متدولوژی تاریخ‌نگاری مدرن آشنا بود اما به‌علت عدم دسترسی به اسناد دولتی و همچنین پراکندگی منابع و خاطرات شخصی مشروطه اشتباهاتی هم در روایت او به چشم می‌خورد. منابع او در کتاب حاضر، «تاریخ بیداری ایرانیان» (ناظم‌الاسلام)، «بلوای تبریز» (ویجویه)، «انقلاب ایران» (براون)، «اختلاق ایران» (شوستر) و چند کتاب دیگر از ادوارد براون و روزنامه‌های آن دوره است. این کتاب به وقایع مشروطه دوم و آنچه به ختم مشروطه منجر شد نمی‌پردازد. باینکه کسروی تبریزی بوده و در زمان مشروطه نیز در تبریز حضور داشت اما در کتابش تعادلی منطقی بین وقایع تهران و تبریز وجود دارد. کسروی در «تاریخ هجده‌ساله آذربایجان» بر وقایع این منطقه متمرکز است و سیر تاریخی ۱۸ساله مشروطه را دنبال کرده و با همان شیوه نگارش علاوه بر روایت مستندات تاریخی پس از فتح تهران در جای‌جای کتاب به دایره رجال مشروطیت نیز پرداخته و نظراتش را به صراحت ابراز داشته است. علاوه بر ارزش‌های تاریخی، کتاب تاریخ مشروطه معرف سبکی از نویسندگی است که کسروی در تاریخ‌نگاری و نثر معاصر فارسی بنیاد گذاشته است. او از بیشگامان واژه‌سازی علمی در زبان فارسی بود و می‌کوشید برای اصطلاحات جدید یا نوکردن اصطلاحات قدیمی واژه‌های تازه‌ای بسازد یا بیابد که اغلب ریشه در ادبیات گذشته ایران داشته یا براساس قواعد زبان فارسی ساخته شده است. اگرچه گاهی کتاب کسروی لحن گزنده‌ای دارد، درتسیم‌گر چهره قهرمانان، روشنفکران آزادی‌خواهان تهران، اصفهان و مجاهدین ازجان گذشته آذربایجان است.

مشروطه ایرانی

یکی از کتاب‌هایی که در چند سال اخیر درباره مشروطه منتشر شد بحث‌ها و تغییراتی زیادی به راه انداخت. «مشروطه ایرانی» ماشاالله آجودانی است. کتاب حاضر با رویکردی تحقیقی و علمی به تاریخ‌نگاری مشروطه می‌پردازد و با استفاده از اسنادی که در آرشیو کشورهای مختلف، به‌خصوص انگلستان بوده، به تحلیل‌های متفاوتی از آنچه تاکنون در مورد مشروطه گفته شده می‌پردازد. تخصص و تحصیلات آجودانی در حوزه زبان‌شناسی این امکان را به او می‌دهد تا مهم‌ترین دستاورد مشروطه را گسست زبانی بداند. این گسست زبانی در تاریخ معاصر ایران دو فرآیند تاریخی را با تأثیرگرفتن از واقعیت انضمامی جامعه واژه‌های جدید چون «وطن» و «ملت» دولت» را وارد اندیشه ایرانی‌ای کرد. از نظر آجودانی مشروطه فراتر از یک رویداد سیاسی صرف بود و تاریخ‌نگاری مشروطه باید به همه جنبه‌های این رخداد از زندگی ایرانیان توجه کند. توضیحات کتاب درباره ارتباط دین و عرفان و نظرات او در مورد شعر و ادبیات عصر مشروطه از همین جنس است. نویسنده در کتاب سعی در نقد تاریخ‌نگاران تاکنونی در مورد مشروطه دارد و در پیشگفتار کتاب تأکید می‌کند با همه سختی‌های این کار که این پروژه در پی داشته و ناراحتی‌هایی که به وجود آورده این کار را به منظور رسیدن به رویکردی علمی به سرانجام رسانده است. او که از حدود بیست سال پیش در لندن سکونت دارد معتقد است مشروطه‌خواهان ایرانی درک درستی از مفاهیم سیاست مدرن نداشتند و همین مسئله را دلیل شکست این جنبش دانسته است. او خواست اصلی و نیروی محرکه مشروطه‌خواهی را خواست عدالت می‌داند. تغییر زبان و ساختارهای اندیشه جامعه در این رهگذر اتفاق می‌افتد اما خواست اصلی به ثمر نمی‌نشیند و حکومت مشروطه به وجود نمی‌آید. این امر از نظر او چند دلیل عمده دارد. ازجمله اینکه اصولا در ایران طبقات به معنای واقعی شکل نگرفته‌اند. زیرا جامعه، پشامدرن و سنتی است و دوران گذار را طی نکرده، پس هنوز طبقه شکل نگرفته است و به همین دلیل روشنفکر هم نمی‌تواند نقش خود را ایفا کند.